

توضیح ماده (33) مقدمه دستور
خلای منصب خلافت و تعیین معاون مسن تر منحث امیر موقت



به عمر مختار
پرسش:

بسم الله العظيم و به أستعین

عالم بزرگوار، السلام علیکم و رحمت الله وبرکاته!

دو پرسش دارم، اگر لطف نموده پاسخ ارائه نمایید. از الله سبحانه و تعالی می خواهم شما و تمام کسانی که برای از سر گیری زندگی اسلامی کار می کنند ثابت قدم و استوار نگهدارند. در کتاب مقدمه دستور ماده (33) چنین بیان شده است: «اگر خلیفه قبل از تعیین امیر موقت وفات نمود یا عزل گردید، و یا به هر دلیل دیگر منصب خلافت خالی شد، از جمله معاونین، معاون مسن تر خلیفه امارت موقت را بدوش می گیرد».

دلیل این موضوع چیست و چرا معاون مسن تر امارت موقت را بدوش می گیرد، نه معاون دیگر؟

پاسخ:

و علیکم السلام و رحمت الله وبرکاته!

ماده (33) در کتاب مقدمه دستور کاملاً واضح است که شامل دو موضوع ذیل می گردد:

1- دلیل تعیین امیر موقت از سوی خلیفه قبل از وفاتش از اجماع صحابه گرفته شده است. چنان چه در کتاب مقدمه دستور در شرح این موضوع چنین ذکر شده: «اگر خلیفه احساس کرد که اجلش نزدیک است، برای او لازم است تا قبل از خالی شدن منصب خلافت و در زمان مناسب برای تعیین خلیفه جدید، امیر موقت را تعیین کند تا او کار خود را بعد از وفات خلیفه که نهایی کردن تعیین خلیفه جدید در مدت سه روز است را آغاز نماید. امیر موقت صلاحیت تبنی احکام شرعی را به دلیلی ندارد که از جمله صلاحیت های خلیفه به شمار میرود که امت با وی بیعت می کند. هم چنان برای او جایز نیست خود کاندید خلافت باشد یا یکی از نامزدان را خلیفه تعیین کند. چون عمر رضی الله عنه کسی را که از جمله کاندیدان خلافت نبود امیر موقت تعیین کرده بود. با تعیین خلیفه جدید ولایت امیر موقت به دلیلی تمام می شود که این یک امر موقتی بوده و با تعیین شدن خلیفه جدید پایان می یابد.

دلیل برای این عمل، عملکرد عمر رضی الله عنه در زمان مجروح شدنش با حضور داشت بزرگان اصحاب رضی الله عنهم اجمعین است که آنها در مقابل عمر رضی الله عنه هیچ گونه اعتراض و مخالفتی نکردند. پس همین اجماع اصحاب است.

چنان چه عمر رضی الله عنه پس از مجروح شدنش به شش تن از نامزدان خلافت چنین گفت: در جریان این سه روز، صهیب امام جماعت شما می باشد و شما در مورد تعیین خلیفه مشورت کنید. چنان چه طبری در کتاب تاریخ خود متذکر شده است که برای صهیب رضی الله عنه گفت: به مدت سه روز امام نماز جماعت باش! هم چنان گفت: اگر پنج تن شان بر یکی اتفاق کردند و یکی سر کشی کرد، سرش را با شمشیر بزن!

صهیب رضی الله عنه بر آنان امیر تعیین شده بود، چون امام در نماز جماعت تعیین شده بود و امام بودن در نماز به معنی امیر بودن است. بر علاوه برای او صلاحیت جزا دادن نیز داده شده بود، و حق کشتن را جز امیر کس دیگری ندارد. چون این کار در موجودیت بزرگان اصحاب رضی الله عنهم اجمعین بدون کدام مخالفت انجام یافت. پس از این دلیل اجماع اصحاب رضی الله عنهم اجمعین استنباط می گردد که بر خلیفه لازم است تا امیر موقت را جهت به عهده گرفتن اجراءات تعیین خلیفه جدید، در همچو حالات تعیین نماید.»

2- در صورتی موضوع چگونگی تعیین امیر موقت پیش می آید و اولویت پیدا می کند که خلیفه قبل از تعیین امیر موقت وفات نماید یا عزل شود، چون تعیین امیر موقت یک امر اداری است. پس تبنی ماده ای که این امر اداری را تشریح کند جایز است. بنا بر این در ماده (33) چنین بیان شده است: «معاونی که نسبت به همه مسن تر است، اگر خواستار نامزدی خلافت نبود امیر موقت تعیین می گردد و اگر اراده کاندید شدن به منصب خلافت را داشت، معاون بعدی که مسن تر است امیر موقت تعیین می گردد... و به همین ترتیب بزرگی سن به امارت موقت ترجیح داده می شود.

هرگاه همه معاونین تفویض اراده نامزد شدن به مقام خلافت را داشته باشند از میان معاونین تنفیذی به ترتیب هر کدام که از نگاه سن بزرگتر باشد امارت موقت را بدوش می گیرد.

در صورتی که همه معاونین تنفیذی خواستار نامزدی خلافت باشند، امارت موقت به خورد سال ترین آن ها منحصر می شود و باید دانست که در تبنی این حکم اعتبارات واجبی مراعت شده است. چون معاونین دانا ترین مردم به حکم و آگاه ترین مردم از روزگار خلیفه قبلی می باشند و بعد از معاونین تفویض، معاونین تنفیذی در شناخت و تجربه بنا بر ارتباط شان به خلیفه، از اعمال او آگاه ترین و دانا ترین مردم می باشند.

فلهذا آنها بهترین مردم برای به عهده گرفتن امارت موقت می باشند و اگر معاونین تفویض با هم برابر بودند برتریت بر اساس معاونت نیست، بلکه یگانه عامل مناسب در برتریت بزرگی سن است و هم چنان در معاونین تنفیذی هم چنین است. چنان چه در امامت نماز در صورتی که نماز گذاران در شروط امامت برابری و مساوات داشتند، بنا بر روایت مسلم مسن تر شان پیش نماز می شود و مسلم در صحیح خود از شعبه و از اسماعیل بن رجاء روایت نموده است که شعبه از اوس بن ضمعه و او از ابو مسعود روایت می کند که گفت رسول الله صلی الله علیه وسلم برای مان فرمود: «بهترین قاری و قرآن دان شما، امام جماعت شود و اگر همه در قرائت قرآن با هم مساوی بودید، هر کدام تان که نسبت به سنت من عالم تر است امام شود و اگر در سنت نیز مساوی بودید، مقدم ترین آنها در هجرت و اگر در هجرت نیز مساوی بودید، مسن ترین تان امامت کند. هیچ مردی در خانه و سلطنت شخص دیگری امامت نکند و بدون اجازه صاحب خانه، نشستن در خانه مخصوص او جایز نیست.»

پس امر تبنی شده در تعیین امیر موقت به مسن ترین داده می شود که ترجیح همه به اساس سن می باشد.

برادر تان عطاء بن خلیل ابو رسته

2 شعبان 1435 هـ.ق

31 می 2014م